

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره هیجدهم و نوزدهم

بایز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۷۰ - ۶۱

انگیزه‌های اقتصادی شورش بنوحنیفه

دکتر محمدرضا رحمتی*

چکیده

در واپسین ماههای زندگی پیامبر اسلام (ص)، یا اندکی پس از درگذشت آن حضرت، رهبر قبیله حنیفه - مسلمة بن حبيب معروف به مسيلمه - در یمامه شرق عربستان، ادعای پیامبری نمود و بنوحنیفه به رهبری وی بزرگترین شورش در برابر دولت اسلامی مدینه را به راه انداختند. بی‌تردید یکی از انگیزه‌های اصلی این ادعا و شورش، انگیزه اقتصادی بوده است. بررسی و شناخت ویژگیهای طبیعی و جایگاه اقتصادی یمامه، ارتباط بازرگانی آن با ایران ساسانی و تجارت خلیج فارس از یک سو، مکه و شام از دیگر سوی، روابط سیاسی بکر بن وائل با ایران و سرانجام تأثیر ظهور اسلام در این جایگاهها و روابط، به روشن شدن برخی انگیزه‌های اصلی شورش یاری می‌رساند.

کلید واژه‌ها

یمامه، بازرگانی، هجر، جرها، مسيلمه، یکتاپرستی، رده، عقرباء.

مقدمه

بنوحنیفه شاخه‌ای از قبیله بکر بن وائل به‌شمار آمده و پیش از اسلام و همزمان با ظهور آن در یمامه، شرق عربستان می‌زیستند (۲۱ / صص ۳۵۶-۳۴۶ / ۴ / صص ۲۷-۲۶ و ۱۰ / صص ۳۵-۳۴).

درباره ادعای پیامبری مسیلمه و شورش بنوحنیفه در رده، نوشته‌های بسیاری در منابع یافت می‌شود. در این نوشتار، شورش یاد شده، بر پایه عوامل مربوط به جغرافیای سیاسی - اقتصادی بررسی خواهد شد. توضیح آنکه، یمامه پیش از اسلام، از طبیعتی غنی و جایگاه بازرگانی نیرومند برخوردار بود و بنوحنیفه در رفاه می‌زیستند. ولی ظهور اسلام، تغییراتی را در نظام بازرگانی عربستان و شبکه راههای آن پدید آورد و این تغییرات بر موقعیت جغرافیایی - اقتصادی یمامه تأثیر منفی نهاد. جایگاه بازرگانی و توان اقتصادی بنوحنیفه آسیب دید. با این مقدمه، لازم است در آغاز، به شرح کوتاهی در باره جایگاه بازرگانی یمامه پیش از اسلام بپردازیم.

جایگاه بازرگانی یمامه

همزمان با ظهور اسلام، یمامه از جایگاه نیرومند بازرگانی برخوردار بود. پیش از سده ششم میلادی، در عربستان یک نظام بازرگانی نیرومند با محوریت مکه پدید آمده بود. در این نظام، مراکز چون تهامه، مکه و مدینه با شبکه‌ای از راهها به یکدیگر پیوند می‌خوردند. یمامه نیز از مراکز مهم در این نظام به‌شمار می‌رفت (۶ / ص ۳۹). یمامه با مسیری مستقیم مانند، از راه وادی باطن، که آب و آبادیهای بسیار داشت، به مکه، بزرگترین پایگاه بازرگانی در عربستان می‌پیوست (۲۰ / ج ۷ / ص ۳۴۴).

از دیگر سوی، هجر، پایتخت یمامه، با یک راه بازرگانی به بصره در دهانه خلیج فارس و کوفه می‌پیوست. راه بازرگانی نجران - بصره نیز از یمامه می‌گذشت. بدین‌سان، بنوحنیفه با لخمیان دست‌نشانده ساسانی در حیره و بازرگانی خلیج فارس، که زیر سلطه ایرانیان بود، پیوندی نزدیک داشت (همان / ص ۳۳۴ و P 153 / 26).

ارتباط با تجارت خلیج فارس

اهمیت یمامه به تجارت خلیج فارس نیز بستگی داشت. زیرا آن سرزمین به بنادر بحرین در کرانه خلیج فارس، بویژه جرها راه داشت. جرها یکی از پررونق‌ترین مراکز بازرگانی زمینی و دریایی در حوزه خلیج فارس بود و کالاها از آنجا، از راه عراق و بیابان سوریه، یا با گذار از حجاز به کرانه‌های مدیترانه حمل می‌شد (۱۷ / ص ۳۶).

از سده ششم میلادی، مکه مهمترین واسطه بازرگانی میان جرها و دومه الجندل، یکی از مهمترین بازارهای شام در آن روزگار بود (۲۰ / ج ۲ / صص ۱۸-۱۷). در این میان، حجر پایتخت یمامه، بهترین استراحتگاه کاروانیان و مهمترین پایگاه و ایستگاه بازرگانی در منطقه شرق عربستان، میان جرها و مکه به شمار می‌آمد (همان / صص ۱۸-۱۷). افزون بر این، یمامه با راه داشتن به جرها، با بازرگانی هند در ارتباط بود (۱۷ / ص ۳۶). از این رو، حجر در آن روزگار از رونق بسیار برخوردار گردید (۲۰ / ج ۲، ص ۱۸). ناگفته نماند که جایگاه جغرافیایی جرها امروزه دقیقاً روشن نیست. ولی به باور برخی پژوهشگران این بندر در کرانه باختری خلیج فارس جای داشته است (همان).

آب و هوای خوب

آب و هوای خوب نیز بر اهمیت یمامه می‌افزود. آن سامان از آب و هوای بسیار خوب برخوردار بود و یکی از مناطق بارور شبه جزیره به شمار می‌رفت (۲۲ / ص ۱۳۱). دکتر آذرنوش این سرزمین در عربستان آن روزگار را با جزیره‌ای در بیابان همانند دانسته است (۱ / ص ۳۰). به هر روی، یمامه از نخلستانهای مرغوب و کشاورزی پررونق برخوردار بود (۳ / ص ۳۸) و به سرزمین نخل و انبار غلات شهرت داشت. کاروانها در آنجا، افزون بر استراحت کردن، به بارگیری گندم و خرما نیز می‌پرداختند (۲۲ / ص ۱۳۱) و این بر اهمیت و پیشرفت بازرگانی آن می‌افزود.

زمینه برپایی دولت در یمامه

موقعیت یمامه زمینه برپایی دولت در آن را فراهم نمود. بر پایه آنچه که گذشت، همزمان با ظهور اسلام، بنوحنیفه قدرت و جمعیتی روزافزون داشت (۱۸ / ص ۲۴۴) و یمامه در آن روزگار، پس از مکه و یثرب، مهمترین منطقه حجاز به شمار می‌رفت (۳ / ص ۳۸). جایگاه یمامه در آن روزگار را می‌توان با جایگاهی که تدمر در چند سده پیش از آن در بیابان شام دارا بود، همانند دانست. چنین جایگاهی، افزون بر آنکه حجر را از دوگانگی جذاب بدویت و یکجانشینی برخوردار می‌نمود. زمینه برپایی دولت در یمامه را نیز فراهم آورد (۱۲ / ص ۵۲). بدین روی، پیش از اسلام، یک دولت با تمدنی آمیخته از ویژگیهای شهرنشینی و بیابانگردی در آن سامان برپا گردید (۱۶ / ص ۲۶۴ و ۱۲ / ص ۵۱).

نفوذ ایران

آبادانی یمامه و جایگاه نیرومند بازرگانی آن، به رقابت میان ایران و روم برای سلطه بر آن انجامیده بود. در این رقابت ایران ساسانی پیروز گردیده و همزمان با بعثت پیامبر اسلام (ص)، دولت شاهنشاهی در یمامه نفوذ بسیار داشت (۱۴ / ص ۱۱۵).

گذار کاروانهای کسری از یمامه

بنوحنیفه در آمد و شد کاروانهای شاهی ایران در عربستان نیز نقش مهمی داشت. در زمان ساسانیان، کاروانهای بازرگانی شاهی که مقصد آن یمن بود، از مداین به حیره آمده و در آنجا به شهریار عرب آن دیار سپرده می شد. حیره مرکز بازرگانی ساسانیان در مرزهای باختری بود و شهریار آن در زمان نوشیروان، نعمان بن منذر نام داشت (۵ / ص ۳۰۴). شهریار عرب، دسته‌ای از جنگجویان بنوریعه را با کاروان کسری همراه می ساخت تا آن را به سلامت به یمامه برسانند. در یمامه، کاروان به فرمانروای حنفی وقت آن سامان سپرده می شد. این فرمانروا در زمان نوشیروان و خسرو دوم، پرویز، هودّه بن علی نام داشت. هودّه و دیگر فرمانروایان حنفی وقت، همانند نعمان عمل نموده و کاروان کسری را به سلامت به بنو تمیم می رساندند. تمیمیان نیز کاروان را به یمن رسانده و در آنجا به کارگزاران شاهنشاهی می سپردند (۸ / ج ۱۶، ص ۷۸).

ناگفته نماند که کاروانهای ایرانی؛ مشک، لباسهای گرانبهای ایرانی، شمشیرهای هندی و شراب را از حیره به یمن حمل می کردند (۱ / ص ۱۶۷). کاروان داران پس از فروش این کالاها در یمن، با پول به دست آمده از آن چرم، حریر، تسمه‌های چرمی، کفش، پارچه‌های رنگارنگ یمنی، پارچه‌های قلابدوزی شده و کفش عدنی خریداری می کردند و به ایران می فرستادند (۸ / ج ۱۵، ص ۷۵). کاروانهای ایرانی، برخی فرآورده‌های آفریقایی، مانند برده و عاج را نیز به ایران حمل می کردند (۱ / ص ۱۶۸).

روابط سه‌سویه دشوار

حفظ امنیت کاروانهای شاهی در عربستان شرقی به روابط سه‌سویه پیچیده و دشواری نیاز داشت. در آن حوزه، قبایل بکرین وائل، که بنوحنیفه یکی از آنان بود، و بنوتمیم برتری داشتند. از این‌رو، رضایت و همکاری آنان، لازمه گذار امن کاروانهای کسری از خاور عربستان بود. ولی از آنجا که بکرین وائل و بنوتمیم رقیب و دشمن یکدیگر بودند،

فراهم آوردن رضایت و همکاری همزمان آنان برای ایران بسی دشوار می‌نمود. برای نمونه، پیامد دو مورد از ناخشنودی آنان از ایران، در اینجا، به اختصار آورده می‌شود: یک بار کاروانی از سوی نعمان بن منذر، شهریار عرب حیره، به سوی بازار عکاظ روانه شد. برخلاف همیشه، امنیت این کاروان در قلمرو بنوحنیفه، به آن قبیله واگذار نشد. از این رو، در یمامه مردی به نام براض به کاروان حمله کرد (۸/ ج ۱۵، ص ۷۵ و ۷/ ص ۱۸۴). رویداد دیگر به «یوم المشقر» مربوط است:

در یکی از سفرها کاروانی کالاهای فرستاده شده از سوی نوشیروان را برای کارگزار ایرانی یمن حمل می‌کرد (۲۴/ ص ۴۰۱). در یمامه، حاکم هوذه بن علی به منظور دریافت حق پاسداری بیشتر از اسواران ایرانی، بر آن شد تا به جای بنوتیمیم، کاروان را خود به یمن برساند. بنوتیمیم که با پاسداری از کاروانهای کسری، درآمد کلانی به دست می‌آورد، یکی از سرچشمه‌های مهم درآمد خویش را در خطر دیده و در وادی نطاع به کاروان یورش برد. این کار بنوتیمیم به کشته شدن شماری از اسواران کاروان و اسارت هوذه انجامید. حاکم یمامه پس از رهایی از اسارت به دربار تیسفون آمد و چون مردی نیک‌روی و خوش‌سخن بود، کسری او را نوازش کرد و گرامی داشت. از آنجا که کسری هوذه را جامه‌ای دیبا و نیم‌تاجی از مروارید بخشید، زان پس هوذه را «ذوالتاج» خواندند (۸/ ج ۱۶، ص ۷۸). به هر روی، سال بعد، پادشاه وقت ایران، خسرو پرویز، با کمک این هوذه و کارگزار ایرانی بحرین، آذرافروز بن‌گشنسب، به بنوتیمیم حمله کرد و از آنان انتقام سختی گرفت. این رویداد یوم المشقر نام گرفت (۲۴/ ص ۴۰۱ و ۱۴/ ص ۱۱۶). با این همه، قبیله تمیم گاهی منافع بازرگانی ساسانیان در عربستان را به خطر می‌انداخت، از این رو، ساسانیان، در راستای منافع خود در عربستان، بهتر می‌دیدند که از بکرین وائل در برابر تمیم، رقیب بکر پشتیبانی نمایند (۲۰/ ج ۴، ص ۲۰۷).

کانهای نقره در یمامه

ناگفته نماند که نفوذ در یمامه، افزون بر منافع بازرگانی، بهره‌های دیگری نیز برای ایران در برداشت. در باختر یمامه کان‌های نقره شمام و عوسج جای داشت که از ارزش و اهمیت بسیار برخوردار بود. از این رو، ایرانیان بسیاری برای معدن‌کاوی و کار در معادن، در آنجا به سر برده و دو آتشکده نیز برای اجرای آیین‌هایشان در آنجا ساخته شده بود (۱۳/ ص ۱۰ و ۲۰/ ج ۷، ص ۵۱۵).

آسیب دیدن جایگاه یمامه

یمامه از جایگاه جغرافیایی سیاسی و اقتصادی نیرومندی برخوردار بود، ولی ظهور اسلام بر موقعیت استراتژیک یمامه و اقتصاد نیرومند بنوحنیفه بسیار آسیب رساند. پس از فتح مکه به دست مسلمانان، بازرگانی عربستان دچار رکود گردید و توان مادی بازرگانان مکی، به عنوان طرفهای معامله بسیار توانگر بنوحنیفه، برای مدتی، کاهش بسیار یافت (۱۲ / ص ۱۳۱). بزرگ بازرگانان مکه نیز به مدینه، مرکز جدید کوچ کردند (۱۱ / ص ۳۳۳). از آنجا که، یمامه با بازرگانی قریش در مکه پیوندی تنگاتنگ داشت، این دو پدیده، یعنی کاهش توان مادی بازرگانان مکی و جابه‌جایی آنان به مدینه، به کاهش بسیار آمد و شد کاروانهای بازرگانی در راه یمامه انجامید (۱۱ / ص ۳۳۳).

جابه‌جا شدن مرکزیت به مدینه، تغییراتی را نیز در مسیرهای بازرگانی پدید آورد. این تغییرات در موقعیت یمامه، که در بازرگانی میان شرق و غرب بسیار برجسته بود، تأثیر بدی نهاد. این تأثیر در ارتباط یمامه با تجارت خلیج فارس از ویژگی برخوردار بود (۱۲ / ص ۱۳۱).

از دیگر سوی، همان‌گونه که گذشت، یمامه دارای دره‌هایی سرسبز، کشاورزی پررونق، فرآورده‌های کشاورزی و میوه فراوان بود (۳ / ص ۳۸). مکه، پیش از فتح آن به دست مسلمانان، بازار اصلی فرآورده‌های کشاورزی یمامه بود و بنوحنیفه یکی از فراهم‌کنندگان غلات آن شهر به‌شمار می‌رفت (۲۰ / ج ۷، ص ۳۸). این قبیله از همین راه به بهره‌کلان دست می‌یافت. ولی با توجه به تغییراتی که یاد شد و نیز کشاورزی بودن شهر مدینه، پس از جابه‌جا شدن مرکزیت به آن شهر، این مرکز جدید بود که برخلاف گذشته خواهان تعیین بهای فرآورده‌های کشاورزی یمامه بود و این به زیان بنوحنیفه می‌انجامید (۱۲ / ص ۱۳۱).

شورش در یمامه

بی‌تردید، این زیانها و دگرگونی‌ها در شورش بزرگ بنوحنیفه تأثیر داشت. این شورش در آغاز خلافت ابوبکر یا کوتاه زمانی پیش از درگذشت پیامبر اسلام (ص) به رهبری مسلمة بن حبيب علیه دولت مدینه، در عربستان شرقی آغاز شد (۱۹ / ص ۲۴۴ و ۲۵ / ص ۱۳۰). رهبر شورش خود را پیامبری یکتاپرست خواند، زیرا بنوحنیفه از گذشته‌های دور با یکتاپرستی آشنا بوده و بسیاری از آنها مسیحی بودند. مسلمة نیز مسیحیت را نیک

می‌شناخت و درباره ادعای پیامبری خود از آن آیین بهره و الهام بسیار گرفت. وی همانند کاهنان سخنان مسجّع می‌گفت و آنها را وحی می‌شمرد. مسلمة خدای یکتا را به همان نامی که در عربستان جنوبی خوانده می‌شد، رحمان نامید (۱۹ / ص ۲۴۲). ناگفته نماند که همزمان، مدعیان همانند دیگری در عربستان سر برآورده بودند (۲۵ / ص ۱۲۹) و مسلمة برجسته‌ترین آنان بود. بدین روی، مسلمانان نام وی را تصغیر نموده و مسیلمه خواندندش (۱۵ / ص ۴۹ و ۲۶ / P 197). از آنجا که یمامه دارای قلعه‌هایی قدیمی بود، مسیلمه یکی از آنها یعنی هجر، پایتخت دیرین آن سامان را به مرکزیت خویش برگزید (۱۹ / ص ۲۴۲).

زمینه‌های شکست مسیلمه

استراتژی مسیلمه که بر دسته‌بندی‌های قبیله‌ای عربستان استوار بود، نادرست از آب درآمد و زمینه‌های شکست وی فراهم گردید: پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، قبایل بدوی بسیاری علیه دولت مدینه سر به شورش برداشتند (۱۹ / ص ۲۵۳ و ۲۵ / ص ۱۲۹ و ۹ / ص ۷۰ و پس از آن). رهبر حنیفه بر آن شد تا از آن قبایل به سود خود بهره جوید. در این راستا، وی تلاش برای برپایی بازار مشترکی را آغاز کرد که در آن قبایل حضری و یکجانشین عربستان میانه می‌بایست بر بادیه‌نشینان کوچ‌نشین حوزه خود فرمان برانند (۱۸ / ص ۱۹۳). این تلاش مسیلمه بزرگترین امتیاز - و چه بسا بزرگترین ضعف - وی به‌شمار می‌رفت (20 / P 27). چرا که در این تلاش چند نکته درخور اهمیت وجود داشت: یکی آنکه این قبایل بادیه‌نشین، شماری انبوه داشتند و بسیار پراکنده بودند. آنان، همچنین با سیاست‌های قبیله‌ای شبه‌جزیره پیوندی تنگاتنگ داشتند. بدین‌سان، فرمانروایی و نظارت بر آنان بسی دشوار یا ناممکن می‌نمود (20 / P 27).

دو دیگر آنکه، بیشتر این قبایل از برتری نظامی نیروهای ابوبکر بر نیروهای مسیلمه آگاه بوده و در پشتیبانی آشکار از مسیلمه دو دل بودند. افزون بر اینها، آنان در پیوستن به بنوحنیفه بهره‌ای نمی‌دیدند (۲ / صص ۲۵۹، ۲۶۴ و ۱۸ / صص ۱۸۸۹، ۱۹۱۱، ۱۹۶۳، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱).

دیگر آنکه، برخی از این قبایل، خود ادعای پیامبری داشتند که برای نمونه می‌توان از طلیحه اسدی یاد کرد. گمان می‌رود که این قبایل با بنوحنیفه منافع مشترکی نداشته‌اند. از این‌رو، با آنکه سرزمینهای آنان به هم نزدیک بود، برای نبرد با مسلمانان، با بنوحنیفه هم پیمان نشدند (۲۵ / ص ۱۲۹).

و سرانجام آنکه، دلیل اصلی شورش بدویان آن بود که آنان فرمانروایی دولت مدینه را نماد برتری جامعه‌ای یکجانشین بر خود دانسته و همواره در پی فرصتی برای رها شدن از فشارهای آن دولت حضری بر خود بودند (۲۳ / ص ۳۴ و ۹ / ص ۷۰ و پس از آن و ۱۹ / ص ۲۵۶). این در حالی بود که بنوحیفه خود، جامعه‌ای یکجانشین به شمار می‌آمد و در این باره با مدینه همانند می‌نمود. اصولاً، نبرد مدینه و بنوحیفه، جنگ میان دو جامعه یکجانشین بود که برای برتری یافتن در عربستان، با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند (۱۸ / ص ۱۹۴۶).

به هر روی، تلاش مسیلمه برای جلب مؤثر قبایل بادیه‌نشین به جایی نرسید و پس از آنکه آشکار شد نیروهای مدینه، به‌رغم شکست‌های آغازین خود در جنگهای رده، سرانجام پیروز خواهند شد، قبایل دودلی که از مرتدین پشتیبانی آشکار نموده بودند، به نیروهای خلافت پیوستند (۱۸ / صص ۱۹۸۰-۱۹۶۲).

سرکوب شورش

بدین‌سان، مسلمانان با موقعیتی برتر آماده رویارویی با بنوحیفه شدند. ناگفته نماند که سرکوب مسیلمه، افزون بر انگیزه‌های ایدئولوژیک و سیاسی، از بایستگی اقتصادی نیز برخوردار بود. زیرا رونق دوباره بازرگانی در عربستان، از اولویت‌های برنامه سیاسی ابوبکر بود. در حالی که بنوحیفه برای شبکه بازرگانی آینده مدینه خطر بزرگی به‌شمار می‌رفت.

بدین‌روی، خالد بن ولید، سردار برجسته جنگهای رده، برای نبرد با بنوحیفه گسیل شد. در پیکاری که به سال ۱۱ هـ / ۶۳۳ م در گرفت، در آغاز پیروزی از آن بنوحیفه بود، ولی با پایمردی خالد و تنی چند از فرماندهان لشکر اسلام، روند جنگ به سود مسلمانان تغییر یافت. مسیلمه کشته شد و بنوحیفه در نبرد عقرباء شکست خوردند (۱۰ / ص ۱۰۷ و ۱۹ / ص ۲۵۳). گفته شده که پس از کشته شدن مسیلمه و شکست بنوحیفه، زنان قبیله لباس رزم پوشیده و آماده پایداری سرسختانه‌ای شدند. با توجه به وجود قلعه‌هایی چند در یمامه، خالد ترسید که می‌باید بنوحیفه در حصارها پناه گرفته و مسلمانان را وادار به نیردی بلند مدت کند. از این‌رو، بهتر آن دید تا با قبیله شورش‌پیمان صلح ببندد (۱۹ / ص ۲۵۳ و ۲۵ / ص ۱۳۰). بدین‌سان شورش در یمامه پایان یافت.

نتیجه

بر پایه آنچه گذشت، آسیب دیدن جایگاه جغرافیایی - سیاسی و اقتصادی یمامه، در شورش بنوحنیفة در جنگهای رده، تأثیر داشت: پیش از اسلام، یمامه از شکوفایی بازرگانی، کشاورزی و جایگاه نیرومند ارتباطی برخوردار گردید و توان برپایی دولت را یافت. ولی پس از ظهور اسلام، تلاشهای بازرگانی در عربستان، برای مدتی متوقف ماند. جابه‌جا شدن مرکزیت از مکه به مدینه نیز، تغییر در مسیرهای بازرگانی را به دنبال داشت. با این جابه‌جایی، یمامه بازار خوب فرآورده‌های کشاورزی خود، یعنی مکه را هم از دست داد. بدین‌سان، جایگاه نیرومند بنوحنیفة آسیب دید و آن قبیله، شورش بزرگ خود در جنگهای رده، به رهبری مسیلمه را آغاز کرد.

بزرگترین تکیه‌گاه و امید مسیلمه در این شورش، افزون بر قبیله حنیفة، برخی از دیگر قبایل عربستان بودند، ولی پس از آغاز نبرد آن قبایل بی‌طرف مانده یا به دولت مدینه پیوستند و مسیلمه شکست خورد.

منابع و مأخذ

- ۱- آذرنوش، آذرتاش. راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاملی، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۴.
- ۲- ابن‌الثیر، عزالدین. الکامل فی التاریخ، ج ۲، بعنایة نورنبرغ، لایدن، ۷۱-۱۸۶۶.
- ۳- ابن‌حوقل. صورة الأرض، طبعة بیروت، ۱۹۶۳.
- ۴- ابن‌خلکان. وفيات الاعیان، حقه: احسان عباس، ج ۳، دارصادر، بیروت، ۱۹۷۷.
- ۵- ابن‌درید (ابوبکر محمدبن حسن). جمهرة اللغة، ج ۳، حیدرآباد دکن، ۵۱-۱۳۴۴.
- ۶- ابن‌المجاور، جمال‌الدین ابو الفتح. تاریخ المستبصر، تصحیح و ضبط اوسکر لوفگرین، ج ۱، مطبعة بریل، لیدن، ۱۹۵۱.
- ۷- ابن‌هشام. السیرة النبویة، مصطفی السقا، ابراهیم الابیاری و عبدالحفیظ شلبی، ج ۱، مطبعة مصطفی‌البابی الحلبی، و اولاده بمصر، ۱۹۳۶.
- ۸- ابو الفرج الاصفهانی. الاغانی، بولاق، ۱۲۸۵.
- ۹- بخت، عبدالحمید. عصرالراشدین، مکتبة الانجلو المصریة، ۱۹۶۳.

- ١٠- بلادزي، ابو الحسن. فتوح البلدان، مراجعة و التعليق، رضوان محمد رضوان، ج ١، دارالكتب العلمية، بيروت - لبنان، ١٩٨٣.
- ١١- بلادزي، احمد بن يحيى. أنساب الاشراف، تحقيق احسان عباس، ج ١، بيروت، ١٩٧٩.
- ١٢- بيضون، ابراهيم. الحجاز و الدولة الاسلامية، الطبعة الاولى، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، بيروت، لبنان، ١٩٨٣.
- ١٣- تقى زاده، سيد حسن. تاريخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام و قبل از آن...، جزوه ٢، خطابه ٥ از مجموعه خطابه ها در دانشكده معقول و منقول، تهران، بي تا.
- ١٤- حمزة بن الحسن الاصفهاني. سني ملوك الارض و الانبياء، بيروت، (نسخة لايبزيك و برلين)، ١٩٦١.
- ١٥- زرین کوب، عبدالحسين. بامداد اسلام، چاپ پنجم، انتشارات اميرکبير، تهران، ١٣٦٢.
- ١٦- زعلول، سعد. تاريخ العرب قبل الاسلام، دارالنهضة العربية، بيروت، ١٩٧٦.
- ١٧- صالح العلي، احمد. محاضرات في تاريخ العرب، بغداد، ١٩٦٥.
- ١٨- طبري. تاريخ الرسل و الملوك، بعناية دخويه، ولايدن، ج ٤، يطلب من مكتبة الاسدي بطهران، ١٨٨٢-١٨٨١.
- ١٩- طبري، محمد بن جرير. تاريخ الامم و الملوك، راجعه و صححه و ضبطه نخبة من العلماء، ج ٣، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٩٨٩.
- ٢٥- علي، جواد. المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، الطبعة الاولى، دارالعلم للملايين، بيروت، ١٩٧٥.
- ٢١- قاسم بن سلام، ابي عبيد. كتاب النسب، تحقيق مريم محمد خيرالدرع، دارالفكر، بيروت، ١٩٨٩.
- ٢٢- قزويني، زكريا بن محمد بن محمود. آثار البلاد و اخبار العباد، دارصادر، بيروت، بي تا.
- ٢٣- لاندو، روم. الاسلام و العرب، ترجمة منير بعلبكي، دارالعلم للملايين، بيروت، ١٩٦٢.
- ٢٤- ياقوت حموي. معجم البلدان، ج ٣، لايبزيك، ١٩٢٤.
- ٢٥- يعقوبي، ابن واضح. تاريخ يعقوبي، ج ٢، دارصادر، بيروت، بي تا.
- 26 - Hodgson, Marshall, 1974, *The venture of Islam*, Vol 1, pub.: The University of Chicago press, Chicago and London.
- 27 - Shaban, M.A., (1994) *Islamic History*, vol 1, Cambridge University press, Great Britain.